

روند سازش در پائیز ۱۳۷۸

ایهود باراک پیش و پس از رسیدن به قدرت، قول داده بود، روند سازش در هر دو جبههٔ سوریه - لبنانی و فلسطینی، را با سرعت به پیش ببرد.

در جبهه فلسطینی، علی رغم خوش بینی اولیه، پس از دو ماه مذاکرات فشرده، قراردادی که در واقع پروتکلی موسم به شرم‌الشیخ برای اجرای پیمان

وای ریور بود، به امضاء رسید. این توافقنامه مبنای تحولات صلح اسرائیلی - فلسطینی در پائیز سال جاری قرار گرفت که شامل موارد زیر است:

۱- مذاکرات وضعیت نهایی؛ گفت و گوهای وضعیت نهایی ۱۳ سپتامبر آغاز شود و هر دو طرف ظرف پنج ماه پس از آغاز مذاکرات، به توافق دست

خواهند یافت.

۲- اجرای مراحل اول، دوم و سوم عقب نشینی نیروها؛ در مرحله اول (۱۳-۱۰ سپتامبر) ۷ درصد، مرحله دوم (۱۵ نوامبر) ۵ درصد و در مرحله سوم (۲۰ ژانویه ۲۰۰۰) ۶/۱ درصد از مناطق خودگردان به فلسطینی‌ها واگذار می‌شود.

۳- آزادی زندانیان؛ مجموعاً ۳۵۰ زندانی در دو مرحله ۱۳-۱۰ سپتامبر و اکتبر آزاد می‌شوند. رژیم اشغالگر تعهد کرد، در ماه رمضان به طور یکجانبه زندانیان بیشتری را آزاد کند (بر طبق پیمان وای ریور مقرر شده بود تعداد ۷۵۰ زندانی آزاد شوند، اما مجموعاً، با احتساب زندانیان سابق، تعداد زندانیان آزاد شده به

بودند. بخش‌هایی از این توافق تاکنون اجرا شده و پیشرفت‌هایی در هر مورد صورت گرفته است، اما مشکل اساسی در همان روزهای اولیه و بلافاصله بعد از آغاز گفت‌وگوهای وضعیت نهایی به وجود آمد.

اجرای قرارداد شرم‌الشیخ

در ۱۳ سپتامبر (۲۲ شهریور) کنترل ۷ درصد از اراضی کرانه غربی به فلسطینیان واگذار شد. (۱) و ۱۹۹ تن از زندانیان که عموماً با نارضایتی طرف فلسطینی بود آزاد شدند. در قضایای مربوط به زندانیان، طرف فلسطینی خواستار آزادی زندانیان بیشتری بود ضمن آن که «زندانیان سیاسی» مورد نظر آنها بود و حال آن که رژیم اشغالگر تعیین شرط کرد که زندانیان نمی‌باید دستشان به خون اسرایلیها آلوده شده باشد و از گروه‌های مخالف روند صلح

۱- این اراضی از منطقه C تبدیل به منطقه B شد، منطقه B نقاطی را شامل است که رژیم اشغالگر کنترل امنیتی و فلسطینیان کنترل مدنی دارند.

۶۰۰ نفر رسید).

۴- گشایش مسیر امن جنوبی و شمالی؛ به شرط امضای پروتکل جزئیات، دو گذرگاه جنوبی اول اکتبر و شمالی در ۵ فوریه ۲۰۰۰ افتتاح خواهد شد.

۵- ساخت بندر غزه در اول اکتبر آغاز خواهد شد.

۶- گشایش خیابان شهدا برای آمد و رفت (۳۰ اکتبر).

۷- توافق بر سر چارچوبی برای توافقنامه وضعیت نهایی (۱۳ فوریه ۲۰۰۰).

۸- ارائه گزارش فلسطینی‌ها در مورد جمع‌آوری سلاح‌ها و دستگیری افرادی که به دخالت در عملیات ضد اسرایلی مظنون هستند (۱۵ اکتبر و ۱۳ سپتامبر) دست داشتن در عملیات ضد اسرایلی (۱۵ اکتبر و ۱۳ سپتامبر).

۹- تعیین ۱۳ سپتامبر سال ۲۰۰۰ به عنوان تاریخ موافقت‌نامه جامع نهایی.

این موارد خطوط اساسی روند صلح

باشند.

از نظر طرف اسرائیلی، این دو موضوع مربوط به حاکمیت اسرائیل بر این جاده بود و چون این گذرگاه از داخل سرزمینهای تحت حاکمیت آنها می‌گذرد حفظ امنیت آن بسیار مهم است و نمی‌باید این مسیر امکانی برای جابجایی و افزایش توان مانور مخالفان صلح با اسرائیل شود. طرف فلسطینی معتقد بود واگذاری کارت عبور، باید توسط مأموران فلسطینی انجام گیرد چرا که شهروندان فلسطین نباید به کارمندان رژیم اشغالگر مراجعه کنند. در واقع این امر سمبلی از وجود دولت فلسطینی است. همچنین از آنجا که این گذرگاه «راه امن» خوانده می‌شود، نباید تله‌یی برای به دام انداختن فلسطینی‌ها باشد. پس از مذاکرات طولانی نتیجه این شد که متقاضیان درخواست عبور خود را به دولت خودگردان تسلیم و آنها نتایج بررسیهای خود را به اشغالگران منتقل کنند و تصمیم‌نهایی در این مورد با مقامهای اسرائیلی است. جاده مزبور به طول ۴۴

در مورد مرحله اول واگذاری اراضی، صائب عریقات مدعی بود که اسرائیل برخلاف پیمان شرم‌الشیخ، تنها ۶/۵ درصد اراضی را منتقل کرده و کنترل اداری مناطق اطراف قدس را واگذار نکرده است.

روز سیزدهم مهرماه (۱۵ اکتبر) بین فلسطینیان و حکومت غاصب بر سر افتتاح گذرگاه امن جنوبی توافق حاصل شد. این گذرگاه که مطابق توافقنامه طابا، می‌بایست در سال ۱۹۹۵ گشوده می‌شد، به خاطر قید «افتتاح به شرط امضای پروتکل جزئیات»، پس از ۱۱ روز تأخیر گشوده شد. اختلافات بر سر دو موضوع بود: نخست این که آیا اسرائیل مجوز عبور را صادر می‌کند یا فلسطینیان؟ و نکته دوم این که آیا اسرائیل می‌تواند فلسطینیانی را که مظنون به حملات ضد اسرائیلی اند، و در حال عبور از این گذرگاهند، بازداشت کند یا نه؟

آنها متشکل از تعدادی خانه سیارند و در واقع بهانه‌یی برای تصرف زمینها) همگی غیرقانونی بودند. دفتر ایهود باراک برای بستن این شهرک‌ها معیارهای زیر را اعلام کرد: تاریخ تأسیس شهرک، شخص صادر کننده مجوز، تعداد ساکنان فعلی و مشکلات تأمین امنیت شهرک. بنابراین در برچیدن شهرک‌ها، باراک و رژیم اشغالگر می‌کوشند شهرک‌های کوچکتر و کم‌جمعیت‌تر و با مشکلات امنیتی بیشتر برچیده شوند، و با این عمل مابقی شهرک‌ها را قانونی و مشروع جلوه دهند. گروه‌های مذهبی و یهودیان ارتدوکس و شورای شهرک نشینان یهودی و تعدادی از حاخامها با برچیدن همین تعداد اندک مخالفت کردند. از نظر حاخامهای مذکور، برچیدن شهرک‌ها مساوی است با پس دادن بخشی از اراضی اشغالی به غیریهودیان و این امر مطابق فقه یهود (هالاخاه) مساوی با ریختن خون

کیلومتر نوار غزه را (از گذرگاه عزز Erez) به کرانه غربی (شهر ترقومیه نزدیک الخلیل) متصل می‌کند.

دولت باراک در راستای اجرای قرارداد وای ریور در ماه اکتبر (مهر) تصمیم به برچیدن دوازده شهرک یهودی‌نشین در کرانه غربی گرفت. بعد از امضای وای ریور در زمان نتانیا هو سران رژیم اشغالگر، یهودیان را تشویق کردند تا قبل از آن که فلسطینیان بتوانند ادعایی در مورد اراضی کرانه غربی داشته باشند، برای تصرف تپه‌ها ایجاد واقعیت‌ها بر روی اراضی (Facts on the ground) بشتابند. این امر باعث شد که از زمان وای ریور ۱ تا وای ریور ۲ حدود ۴۲ شهرک یهودی نشین در کرانه غربی ایجاد شود. طبق یک بررسی ۳۵ شهرک از ۴۲ شهرک مذکور مجوز قانونی دریافت نکرده‌اند، ۷ شهرک کاملاً غیرقانونی‌اند و باید برچیده می‌شدند. (۱) البته چون این شهرک‌ها همه بعد از وای ریور ساخته شده‌اند (بیشتر

یهودیان است.

از دید تشکیلات خودگردان و گروه‌های فلسطینی همه شهرک‌های موجود در کرانه غربی و نوار غزه غیرقانونی هستند و باید برچیده شوند. البته موضوع شهرک‌های یهودی نشین به مذاکرات نهایی موکول شده است و طرفین از اظهار نظر در این مورد منع شده‌اند. ایهود باراک به عنوان یکی از چهره‌های صلح طلب اشغال‌گران، برچیدن شهرک‌ها را از خطوط قرمز خود اعلام کرده است.

از منظر حقوق بین‌الملل و کنوانسیون چهارم ژنو، که ساخت و ساز و تغییر وضعیت در مناطق تحت اشغال را منع می‌کند، و قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل، که مناطق کرانه غربی و نوار غزه را اشغالی می‌داند، شهرک‌سازی در این مناطق، غیرقانونی و نامشروع و لذا متضمن هیچ حقی برای اشغال‌گران نیست.

روز پانزدهم اکتبر (۲۳ مهر)، مطابق

توافق شرم‌الشیخ، ۱۵۰ زندانی فلسطینی با یک هفته تأخیر آزاد شدند، آزادی این زندانیان همانند موارد قبلی بحث‌های بسیاری برانگیخت. اسرائیلی‌ها تلاش نمودند که در آزادی زندانیان، معیارهای خودشان را تحمیل کنند. طرف فلسطینی معتقد بود که آزادشوندگان باید از همه گروه‌های فلسطینی، چه موافق و چه مخالف روند صلح باشند. و حال آن که طرف مقابل مدعی بود که مطابق قرارداد وای‌ریور ۲، فقط زندانیانی آزادی می‌شوند که متهم به قتل اتباع اسرائیل نباشند. رژیم غاصب اعلام کرد که عده‌ای از زندانیان فلسطینی را که هموطنان خود را به قتل رسانده‌اند، نیز آزاد خواهد ساخت. این امر آشکارا به منظور ایجاد اختلاف و نزاع مابین گروه‌های فلسطینی صورت می‌گرفت. مقام‌های اسرائیلی همچنین اعلام کردند زندانیانی که فعالانه علیه روند سازش مخالفت می‌کنند آزاد نخواهند شد، فلسطینی‌ها نیز به طور ضمنی این موضوع را که توهینی به مردم

خاور میانه‌ای دنیس راس فرستاده و ویژه آمریکا، سفر مکرر مادلین آلبرایت، سفر کلینتون به اسلو و اعلام از سرگیری گفت‌وگوهای سوری - اسرائیلی، و نیز نشست یادبود نخست وزیر اسبق اسرائیل قابل ذکر است.

اساسی‌ترین مشکل روند سازش در پائیز ۱۳۷۸، بر سر مرحله دوم عقب‌نشینی نیروهای غاصب از کرانه غربی، بروز کرد. مطابق توافق شرم‌الشیخ باید روز ۲۴ آبان ماه مجموعاً ۵ درصد از اراضی تحویل فلسطینیان داده می‌شد (۲ درصد آن تبدیل منطقه B به منطقه ۱۸ تحت کنترل کامل فلسطینیان ۱ و ۳ درصد آن تبدیل منطقه C به منطقه B تحت کنترل مدنی فلسطینی و امنیتی اسرائیل ۱ بود). ناحیه ۲ درصدی در رام‌الله واقع در بیست کیلومتری شمال قدس بود، اما اختلاف بر سر ۳ درصد دیگر بود. مقامهای اسرائیلی معتقدند که آنها تعیین می‌کنند جابجایی در کجا صورت بگیرد ولی طرف

فلسطین و مبارزان مخالف صلح تلقی شد، پذیرفتند.

مطابق نخستین توافق ساف - تل‌آویو در سال ۱۹۹۳، رژیم صهیونیستی تعهد کرده بود ۹۰۰۰ زندانی فلسطینی را آزاد کند که تاکنون حدود ۳۰۰۰ نفر را آزاد کرده است. این در حالی است که بسیاری از این زندانیان محاکمه نشده‌اند و مدت محکومیت بسیاری دیگر به سر آمده است. هدف رژیم اشغالگر در سختگیری برای آزادی زندانیان، حفظ آنها به مثابه برگ برنده‌ی برای مذاکرات نهایی است.

در همین حال در داخل آمریکا نزدیک بودن انتخابات ریاست جمهوری، موجب تلاش احزاب برای کسب نظر لابی صهیونیستی و آرای سرنوشت‌ساز یهودیان شده است. در این راستا دولت کلینتون نیز دست به اقدامات مهمی برای جلب نظر یهودیان زده است. از جمله: انتصاب مارتین ایندیک به سمت سفیر ایالات متحده در تل‌آویو، سفرهای

فلسطینی، مناطق تخلیه شدنی را موکول به توافق طرفین می‌داند و جالب آن که هر دو طرف استنادشان به دو قرارداد وای ریور و شرم‌الشیخ است.

اسرائیل، در نظر دارد، مکانهایی که برای تخلیه انتخاب می‌کند، اولاً از لحاظ منابع آبی، فقیر و برای کشت و کار نامناسب باشد. نیز از نقاط پر جمعیت که اهمیتی سیاسی - اقتصادی دارند، نباشد. اسرائیل، پیشتر این سیاست را در قبال اعراب بدوی صحرای نقب انجام داده است، متخصصان اسرائیلی نخست، زمینهایی را که فاقد ارزش کشاورزی اند و یا حتی برای سکونت مناسب نیستند، شناسائی کرده، سپس اعراب کوچنده و عشایر را وادار به اسکان دائمی در این مناطق می‌کنند و بدین وسیله چراگاههای آنها تصاحب می‌شود. در این مورد نیز اسرائیل می‌کوشد مناطقی را که می‌تواند بین نقاط پراکنده در اختیار حکومت خودگردان اتصال برقرار کند از لیست نقاط تخلیه شدنی کنار بگذارد. به

خاطر همین اختلافات، یاسر عرفات از تأیید نقشه عقب نشینی‌ها خودداری کرد و این امر بن‌بستی را در مذاکرات موجب شد که تاکنون ادامه دارد. سفر دنیس راس در اثنای مذاکرات به بن‌بست رسیده منطقه نیز نتوانست گره‌ای از مشکلات بگشاید. علی‌رغم آن که آمریکا شدیداً علاقه‌مند به پیشبرد روند صلح است امانمی‌تواند رژیم اشغالگر را تحت فشار بگذارد زیرا هرگونه نارضایتی اسرائیل و هر امتیازی که از این کشور گرفته شود می‌تواند موجب نارضایتی لابی صهیونیست‌ها را فراهم آورد و در انتخابات آینده به ضرر حزب دمکرات عمل کند.

در کنار این بن‌بست، مذاکرات موسوم به تعیین وضعیت نهایی، روز ۱۷ آبان آغاز شد. آن گونه که در توافقنامه‌های پیشین ذکر شده، این مذاکرات حاوی موضوعات اساسی است که عبارتند: الف) وضعیت قدس ب) مرزهای کشور آینده فلسطینی و مرزهای نهایی اسرائیل ج) سرنوشت

می‌دانستند به طوری که کنست در ۱۹۵۰ بخش غربی این شهر را پایتخت اسرائیل اعلام کرد. در تعقیب این هدف، سیاست‌هایی در دو سطح محلی و ملی طرح و اجرا شد که تاکنون نیز ادامه دارد، در سطح محلی، هدف ایجاد کنترل فیزیکی بر شهر است و این موضوع با ایجاد برتری جمعیتی و پیوستگی جغرافیایی، دنبال شده است. در این راستا ابتدا کوشیده‌اند ترکیب جمعیتی را به نفع خود تغییر دهند و از رشد و افزایش جمعیت فلسطینی جلوگیری و جمعیت یهودی را به سکونت در شهر (خصوصاً بخش شرقی) ترغیب کنند. مثلاً کسانی که در قدس اشتغال ایجاد می‌کنند مشمول ۵ سال بخشودگی مالیاتی می‌شوند. از طرف دیگر به فلسطینی‌ها بندرت اجازه خانه‌سازی داده می‌شود (از سال ۱۹۶۷ تاکنون حدود ۳۰۰۰ واحد مسکونی در قدس و اطراف آن ساخته شده است در حالی که جمعیت یهودی قدس شرقی، اینک بیش از ۱۸۰ هزار نفر

آوارگان فلسطینی و شهرک‌های یهودی‌نشین در کرانه غربی و نوار غزه (د) تقسیم منابع آب.

مواضع طرفین در مورد موضوعات گفت و گوهای تعیین وضعیت نهایی را می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود:

۱- قدس؛ صهیونیست‌ها از همان ابتدای کوچ به فلسطین، موضوع قدس را بسیار مهم و حیاتی می‌دانستند. در سال ۱۹۴۷ سازمان ملل این شهر را بین المللی و دارای حالت خاص (Corpus Separatum) جدا از بقیه فلسطین و اسرائیل اعلام کرد. اشغالگران در جنگ ۱۹۴۸ بخش غربی قدس را به تصرف درآوردند، و بخش شرقی در اختیار ارتش اردن (ملک عبدالله) قرار گرفت. در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ قدس و کرانه غربی به طور کامل به اشغال درآمد. پس از اشغال، اسرائیل تلاش کرد وضعیت قدس را به شکلی تغییر دهد که کنترل سلب نشدنی و انحصاری اش بر این شهر تثبیت شود. صهیونیست‌ها قدس را قلب اسرائیل

است) و فلسطینی‌هایی که تابعیت اسرائیل به آنها داده نشده است و یا درخواست تابعیت نکرده‌اند، در صورت اقامت بیش از ۷ سال در خارج از شهر حق سکونت در قدس را از دست خواهند داد. در مورد پیوستگی جغرافیایی، اسرائیل با شهرک‌سازی در اطراف قدس سعی کرده این شهر را از بقیه نواحی کرانه غربی جدا سازد. در همین راستا اسرائیل اقدام به مصادره زمینهای اهالی قدس، تفکیک کارت تردد آنها با دیگر ساکنان کرانه غربی برای کنترل بیشتر اهالی، تلاش برای ممانعت از فعالیت فرهنگی فلسطینی‌ها و کوشش برای محو هویت اسلامی - عربی و... کرده‌اند که همگی به منظور کاهش پیوستگی ساکنان این منطقه با سایر فلسطینیان بوده است.

در همین حال روز ۵ آذرماه ایهودا و لمرت شهردار قدس اعلام کرد که شورای شهر قدس تصمیم گرفته است تا تلاشهای ویژه‌ای به منظور انتقال سفارتخانه‌های خارجی به قدس فراهم

کند. این موضوع در ادامه سیاستهای اسرائیل برای تغییر وضعیت قدس و تبدیل آن به بخشی از اراضی اشغالی است. اسرائیل تلاش گسترده‌ی را، در سطح بین‌المللی به عمل آورده تا موضوع مهم پایتخت کردن را مشروعیت بخشد. از اینرو برای کشورهای که سفارتخانه‌شان را به قدس منتقل می‌کنند، تسهیلات ویژه‌ی قابل شده است.

از نظر یهودیان قدس اهمیت والایی دارد، صدها بار نام قدس در کتاب مقدس تکرار شده است، قدس نقطه‌ای است که در آن آرماگدون (نبرد نهایی حق و باطل) رخ خواهد داد و از پس آن اسرائیل قدرتمند و حکومت جهانی ظهور خواهد کرد. قدس پایتخت پادشاهی باستانی یهود است و هیکل (معبد) سلیمان در آن واقع است، همین موضوع یکی از انگیزه‌های جنگ ۱۹۶۷ برای تصرف کامل قدس از سوی غاصبان بود. بن‌گور یون اولین نخست‌وزیر اسرائیل،

بر افکار عمومی جهان تأثیر ناخوشایندی نداشته باشد. بنابراین آنها پیشنهاد می‌کنند یکی از نقاط اطراف قدس، به عنوان پایتخت فلسطینی به آنها واگذار شود، یکی از پیشنهادها منطقه «ابودیس» است (که پیش از جنگ ۱۹۶۷ خارج از محدوده شهرداری قدس بود). حکومت خودگردان با این طرح مخالفت کرده و معتقد است که قدس باید یکپارچه بماند ولی بخشی از آن پایتخت فلسطینی و بخشی اسرائیلی باشد، با اینهمه به نظر می‌رسد که سازش بر سر قدس بسیار دشوار است و هیچ کدام از طرفین حاضر به عقب‌نشینی از مواضع خود نخواهند بود. روز ۲۸ آبان کابینه دولت خودگردان طی بیانییه‌ی تأکید کرد «اگر بیت‌المقدس به عنوان پایتخت یک کشور مستقل پذیرفته نشود، هیچ توافق صلحی به عمل نخواهد آمد». بدین ترتیب قدس یکی از پیچیده‌ترین مسائل مذاکرات خواهد بود، اما اسرائیل کوشیده است این مسأله را با شهرک‌سازی و تغییر

زمانی گفته بود: «اسرائیل بدون بیت‌المقدس معنی ندارد و بیت‌المقدس بدون معبد نیز بی‌فایده است». بعد از وی نیز همه سران اسرائیل تا به امروز بر ایده «قدس یکپارچه و تحت کنترل کامل و انحصاری اسرائیل به عنوان پایتخت این کشور» تأکید کرده‌اند. باراک در شعارهای انتخاباتی خود بر غیرقابل بحث بودن مسأله قدس تأکید کرده است.

طرف فلسطینی با استناد به قطعنامه‌های سازمان ملل ناظر به خروج اسرائیل از سرزمینهای عربی، خواستار تخلیه قدس شرقی است تا پایتخت دولت آینده فلسطینی باشد. دیدگاهی در بین اشغالگران (که ظاهراً باراک نیز تمایلی به آن دارد) وجود دارد که نوعی سازش بر سر قدس است. البته یهودیان به هیچ وجه حاضر به ارائه بخشی از قدس به فلسطینیان نیستند، بلکه معتقدند قضا یا طوری حل شود که طرف فلسطینی احساس نکند بازنده شده است و این امر

در راه اسکان آوارگان در کشورهای محل اقامت آنها کمک کند. حتی در این رابطه پیشنهادی برای کمک به مهاجرت و کسب تابعیت کشورهای کانادا و استرالیا برای آوارگان ارائه شده است.

دیدگاه هیأت فلسطینی و تشکیلات خودگردان این است که باید به آوارگان اجازه بازگشت به خانه‌هایشان، در فلسطین، داده شود و به کسانی که قصد بازگشت ندارند غرامت پرداخت شود. عرفات گفته است که همه فلسطینی‌ها حق خواهند داشت به کشوری که وی تأسیس می‌کند بازگردند. کنوانسیونهای بین‌المللی و قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل بر این حق فلسطینی‌ها تأکید می‌کنند.

در قضیه آوارگان، کشورهای میزبان آنها نیز دخیلند. هنگامی که باراک بر عدم بازگشت فلسطینی‌ها تأکید کرد، سلیم‌الحصن نخست‌وزیر لبنان - که میزبان حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار آواره فلسینی است - اظهار داشت که لبنان هم

بافت جمعیتی حل کند، و در واقع امید دارد که مشکل قدس قبل از رسیدن به میز مذاکرات حل شود. زیر زمانی که قدس با اکثریت نزدیک به ۹۰ درصد یهودی شد، دیگر جایی برای گفت و گو نمی‌ماند.

۲- مسئله آوارگان: موضوع آوارگان فلسطینی یکی از پایاترین و پرشمارترین آوارگی‌های قرن بیستم است. میلیون‌ها فلسطینی در دهها کشور جهان (بیشتر کشورهای عربی) ساکنند. بسیاری هنوز در زیر چادرها زندگی می‌کنند. بازگشت یا اسکان، راه‌حلهای پیشنهاد شده برای حل مشکل مذکور است. عدم بازگشت آوارگان به سرزمینهایشان یکی دیگر از خطوط قرمز باراک است. باراک خواستار اسکان آوارگان در محلهای اقامت فعلی آنهاست، چرا که پیش از وی سران اسرائیلی مانند گلداماير، اساساً وجود ملتی به نام فلسطینی را منکر بودند. باراک از ایالات متحده نیز خواسته است

با این کار مخالفتی جدی نداشته باشد (گر چه اسرائیل نیز متقابلاً دست به جمع‌آوری و محاسبه اموال بر جای ماندهٔ یهودیان در کشورهای عربی زده است) ضمن آن که این امر می‌تواند به نوعی عامل اسکان آوارگان در محل اقامتشان و یا کم‌رنگ شدن حق بازگشت آنها تعبیر شود.

به طور کلی اسرائیل حاضر به بازگشت آوارگان نخواهد بود زیرا این امر توافقی را که سالها اسرائیل کوشیده تا آن را به وجود آورد، به هم خواهد زد. باراک پیشنهاد کرده است که بررسی موضوع آوارگان و قدس به مدتی نامحدود (مثلاً ۵ سال) به تعویق بیافتند تا بر سر موضوعات مهم دیگر مثل مرزها، شهرک‌ها و منابع آب توافقهایی حاصل شود و آنگاه این مسائل به صورت دائمی و یاسا موقت حل شود، ولی حکومت خودگردان با این پیشنهاد مخالفت کرده است.

۳- مرزهای دولت اشغالگر و

باید در مذاکرات مربوط به تعیین سرنویشت آوارگان حضور داشته باشد. لبنان در صورت اسکان آوارگان در آن کشور، نگران برهم خوردن ترکیب جمعیتی خود است، چه در آن صورت، مسیحیان دیگر ادعای اکثریت نمیتوانند داشته باشند. البته لبنان زیربنای کافی برای جذب این تعداد جمعیت را ندارد. همچنین سوریه نیز در قضیه آوارگان دخیل است و عدم رضایت آن کشور در حل مشکل آنان بی‌تأثیر نخواهد بود.

در روز ۲۷ آبان، در مذاکرات هیأت‌های دو طرف، مذاکره کنندگان فلسطینی خواستار پرداخت غرامت از سوی اسرائیل به مردم کرانه غربی و نوار غزه شدند و همچنین بخش آوارگان در حکومت خودگردان، دست به کار تحقیق و جمع‌آوری اسناد و مدارک و ارزیابی اموال تخریب شده و یا تصاحب شدهٔ فلسطینیان زده است تا غرامت آنها را دریافت کند، به نظر می‌رسد که اسرائیل

بود که صرفاً خودمختاری اداری خواهد داشت، و همچنان ۶۰ درصد آن در اختیار اسرائیل خواهد ماند.

در مورد شهرک‌های یهودی نشین طرحی با سه راه حل متفاوت ارائه شده است:

(۱) وضعیت بعضی از شهرک‌ها به گونه‌ی بی‌استی که راهی جز تخلیه ندارند (اینها کم‌جمعیت، جدیدالاحداث و در میان جمعیت بی‌شمار فلسطینی‌اند).

(۲) به بعضی از شهرک‌نشینان باید امتیازاتی داده شود تا به سوی دیگر خط سبز (مناطق تحت اشغال اسرائیل پیش از جنگ ۱۹۶۷) نقل مکان کنند.

(۳) شهرک‌هایی که در مناطق تحت کنترل فلسطینی می‌مانند؛ اینها مشکلات زیادی خواهند داشت. آیا تابعیت اسرائیلی را حفظ خواهند کرد و مقیم فلسطین به شمار خواهند آمد؟ آیا حاضر به پذیرش قوانین و حاکمیت فلسطینی خواهند بود؟ ایهود بارها تأکید کرده است که اسرائیل خواهد

فلسطینی‌ها: اسرائیل از ابتدا سیاست ایجاد وضعیت غیرقابل برگشت در اراضی فلسطین را دنبال کرده است و بر این اساس دست به ایجاد شهرک‌های مختلف در همه نقاط اشغالی دست زده است. ایجاد این شهرک‌ها بعد از به قدرت رسیدن باراک، علی‌رغم وعده‌های وی برای توقف آن، افزایش یافته است. وی در مدت کوتاه صد روزه حکومت خود مجوز ساخت بیش از ۳۰۰۰ واحد مسکونی را صادر کرده که مساوی عملکرد یکساله نتانیا هوست. در مذاکرات به بن‌بست رسیده کنونی نیز قصد اسرائیل نا پیوسته ماندن مناطق تحت اختیار فلسطینی‌هاست، تا آنها در مناطق مجزا و پراکنده در میان شهرک‌های یهودی باقی بمانند. بجز نوار غزه که در آن مرزها تا حدودی مشخص است در بقیه نقاط، تحت فشار اسرائیل، احتمالاً آنچه پس از اعمال فشارهای اشغالگران در اختیار فلسطینیان قرار خواهد گرفت، حدود ۴۰ درصد خاک کرانه غربی خواهد

دو حوزه آب زیرزمینی کرانه باختری تأمین می شود با این حال توزیع آب، به گونه بی است که اسرائیلی ها چهار برابر فلسطینی ها آب مصرف می کنند. بنابراین در این مورد نیز توافق دشوار است. اسرائیل در بن بست اخیر هم، مناطقی را برای تخلیه انتخاب کرد که از لحاظ منابع آبی فقیر باشد. متخصصین اسرائیلی معتقدند در صورت تخلیه جولان و جنوب لبنان، بسیار بیش از شرایط کنونی به آب نیاز خواهند داشت و بنابراین باید مناطقی را به فلسطینی ها واگذار کرد که پر آب نباشند.

فلسطینیان نیز که اقتصادی کشاورزی دارند، نیازمند منابع آبی اند. از اینرو حتی در صورت حل مشکلات دیگر، مشکل آب باروند سازش چندان قابل جمع نیست، گر چه ظاهراً طرف فلسطینی نسبت به قضایای آب حساسیت کمتری نشان می دهد ولی این امر در آینده آشکارتر خواهد شد. در مجموع، موضوعات مورد بحث بسیار

کوشید تا شهرک های یهودی نشین کلاً تحت حاکمیت اسرائیل بمانند. مشکل شهرک ها و شهرک نشین ها، احتمالاً بعد از حل مابقی مسائل، تنش آفرین خواهد شد.

۴- تقسیم منابع آب: موضوع آب، مشکل بزرگ آینده خاورمیانه است. کارشناسان سیاسی، جنگ بعدی در خاورمیانه را جنگ آب پیش بینی می کنند. در حال حاضر و در شرایط کنونی، اسرائیل خود با کمبود جدی آب روبروست، و به علت کمبود بارندگی و کاهش منابع آب، خرید آب از ترکیه را در دستور کار قرار داده است. اینک بخش مهمی از آب اسرائیل (به ویژه آب زراعی) از منابع سوریه در جولان و یاسرقت منابع آبی لبنان تأمین می شود. اسرائیل اخیراً اعلام کرده است که دیگر نمی تواند به قرارداد تقسیم آب رود اردن، که در سال ۱۹۹۳ با این کشور امضا کرده است، پای بند بماند. در اراضی اشغالی نیز علی رغم آن که بیشتر آبهای مصرفی از

این رو اسرائیل به هیأت فلسطینی به عنوان عامل مشروعیت بخشی و کاهش فشار افکار عمومی جهان، نگاه می کند.

صلح در جبهه سوری - لبنانی

زمانی که ایهود باراک به قدرت رسید، حافظ اسد، بالحنی که کمتر از او دیده شده است باراک را به شجاعت و صداقت ستود. این امر البته چندان به درازا نینجامید و با وجود کم شدن فعالیت گروه‌های فلسطینی مستقر در دمشق و کاهش حملات حزب‌الله به شمال اسرائیل، تحولی رخ نداد و مطبوعات و رسانه‌های سوری بار دیگر زبان به انتقاد از باراک گشودند.

در جبهه سوریه مشکل اساسی موضوع جولان است. سوریه معتقد است در مذاکرات پیشین (که در ۱۹۹۶ قطع شد و بعد از قتل رابین متوقف شده است) قول خروج از تمامی جولان در مقابل صلح کامل و فراگیر و برخی تضمین‌های امنیتی، داده شده است و از اینرو اسرائیل به عنوان مقدمه گفت و گوها می باید به

حساس و مهم‌اند و بعید است که به زودی در آنها پیشرفتی حاصل شود و جدول تعیین شده، یعنی فوریه ۲۰۰۰ برای رسیدن به توافق بر سر چارچوب مذاکرات و سپتامبر سال ۲۰۰۰ برای رسیدن به توافق نهایی بسیار دور از دسترس به نظر می آید. فلسطینی‌ها از طولانی شدن مذاکرات نگرانند زیرا در طول این مدت اسرائیل تغییرات زیادی ایجاد خواهد کرد و موضوعات قابل بحث را کاهش خواهد داد. سوآلی که در اینجا به نظر می آید این است: چرا اسرائیل با وجود در اختیار داشتن تقریباً همه سرزمین فلسطین و تأکید بر خطوط قرمز غیرقابل مذاکره، همچنان حاضر به مذاکره با طرف فلسطینی شده است؟ چنین به نظر می رسد که اسرائیل در پی توجیه و مشروع ساختن خویش است. درست است که اسرائیل کنترل کامل و حقیقی را در اختیار دارد، اما این امر زمانی مقبول جهانیان خواهد بود که فلسطینی‌ها نیز بر آن صحه بگذارند. از

همکار بهای اقتصادی ارزیابی شد، می‌توان از جولان عقب‌نشینی کرد.»

رژیم صهیونیستی می‌خواهد در عقب‌نشینی از جولان، اولاً بسیاری از شهرک‌ها حفظ شوند یعنی جولان به طور کامل (همانند نمونه سینا) تخلیه نشود، ثانیاً سوریه منابع آبی جولان را یا در اختیار اسرائیل قرار دهد و یا حاضر به تقسیم آنها شود. ثالثاً کناره‌های دریاچه طبریه کاملاً در اختیار این رژیم باقی بماند، همچنین ایستگاه‌های هشدار دهنده سریع در ارتفاعات جولان و کوه حرمون نصب شود.

در طرف سوری، انگیزه بسیاری برای صلح وجود دارد اولاً حافظ اسد شخصی پیر و بیمار است و جانشین وی (احتمالاً) بشّار اسد نیز فردی کم‌تجربه است و توان انجام کارهایی را که پدر می‌تواند انجام دهد (صلح آبرومندانه) ندارد، لذا اسد نگران آینده است. باز پس‌گیری جولان برای خود وی نیز می‌تواند محبوبیتی کسب کند چرا که وی کاری را که در

قول خود عمل کند و منطقه جولان را تخلیه نماید. اما سران اسرائیل این امر را رد کرده‌اند و منکر چنین قولی شده‌اند. آنها این نظر سوریه را پیش‌شرطی برای آغاز مذاکرات تلقی کرده‌اند که باید کنار گذاشته شود. سراسر مدت حکومت ایهودباراک به مباحثه در این مورد گذشته‌است. باراک در نطق افتتاحیه پارلمان از حافظ اسد برای صلح شجاعانه دعوت به عمل آورد. وی صلح شجاعانه را تطبیق دادن عمق عقب‌نشینی اسرائیل از جولان با درجه صلح، عادی‌سازی روابط، توازن مشروط برای بازدارندگی و افتتاح سفارتخانه‌ها و... دانست. باراک بارها تأکید کرده‌است: «فقط پس از این که موضع سوریه در مورد موضوعات اساسی از قبیل مالکیت منابع آب، خشکاندن ریشه ترور، حل و فصل موضوع جنوب لبنان، تضمین ترتیبات امنیتی، ایجاد ایستگاه‌های هشدار دهنده اسرائیلی در جولان، پیشرفت در عادی‌سازی روابط و توسعه

جبهه جنگ نتوانست انجام دهد، در پشت میز مذاکرات به انجام می‌رساند. ثانیاً اقتصاد سوریه در وضعیت مطلوبی نیست و این کشور می‌کوشد با خروج از لیست کشورهای حامی تروریسم، کمک‌ها و سرمایه‌گذاری احتمالی آمریکا را جذب کند.

البته از نظر اسرائیلیها نیز رسیدن به صلح با اسد بسیار مهمتر و بهتر از صلح با جانشینان وی است، چرا که اسد با شخصیت کاریزماتیک خود می‌تواند صلح را به جامعه‌اش بقبولاند و حال آن که معلوم نیست جانشینان وی چنین توانی داشته باشند.

در این میان باراک، اجازه ساخت ۷۰۰ واحد مسکونی در جولان را صادر کرده است. وی در پاسخ به اعتراضات گفته است که این کار مهم شرایط امضای بهترین قرارداد با سوریه را فراهم می‌کند. در واقع باراک با این کار ضمن تحت فشار قرار دادن سوریه، می‌کوشد در مذاکرات برگ برنده بیشتری در اختیار داشته باشد.

در تحول دیگری، سوریه که از موضع ناهماهنگ و نامتوازن ایالات متحده ناراضی بود به اتحادیه اروپا و فرانسه روی آورد، در این راستا بشار اسد در اولین سفر اروپایی بعد از نامزدی جهت جانشینی پدر، عازم فرانسه شد و متعاقب آن نیز باراک سفری به فرانسه به عمل آورد و با مقامهای عالی رتبه این کشور دیدار و گفت‌وگو کرد، ژاک شیراک نیز فرستاده ویژه خود اروه دوشارت را به دمشق و دیدار با حافظ اسد فرستاد. همچنین ایهود باراک در سفری که برای شرکت در کنگره بین‌المللی سوسیالیسم به پاریس بعمل آورده بود، با سران فرانسه و ژاک شیراک دیدار و گفتگو کرد. اما به نظر می‌رسد فرانسه نمی‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند زیرا علی‌رغم نفوذ سنتی فرانسه در سوریه و لبنان، این کشور نفوذی بر اسرائیل ندارد و نمی‌تواند جای آمریکا را پر کند، همچنین اسرائیل بیشتر خواهان مذاکره مستقیم است و اجازه مداخله به میانجیان بین‌المللی

نمی‌دهد.

طرفین داده شده باشد.

صلح در جبهه سوری با موضوع لبنان نیز گره خورده است، باراک قول خروج یکجانبه از لبنان، حتی در صورت عدم امضای پیمان صلح، تا ژوئن سال آینده را داده است. این امر می‌تواند برای طرف سوری خطرناک باشد، چرا که اهرم فشار سوریه بر اسرائیل را از میان خواهد برد و در آن صورت، اگر حزب الله به حملاتش پایان دهد، سوریه نمی‌تواند بر اسرائیل فشار آورد و در نتیجه موضع سوریه تضعیف می‌شود، اما اگر حزب الله، عملیات را ادامه دهد و واکنش اسرائیل بسیار تند و خشن خواهد بود، و در آن صورت دخالت مجدد سوریه در لبنان اجتناب ناپذیر خواهد شد.

عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان، موضوع سربازان مزدور لبنانی که برای اسرائیل کار می‌کنند، (ارتش جنوب لبنان تحت امر آنتوان لحد)، را مطرح ساخته است. آینده و سرنوشت آنها خود معضلی برای اسرائیل شده است. دیدگاه‌ها در

در دیدار دوم مادلین ابرایت از منطقه بعد از به قدرت رسیدن ایهود باراک، در نیمه دوم آذرماه، به صورتی تقریباً ناگهانی طرفین (سوریه و اسرائیل) اعلام کردند که به زودی گفتگوهای صلح را در واشنگتن از سر می‌گیرند. در این دیدارها که ایهود باراک و فاروق الشرع به انجام می‌رسانند چهار موضوع اساسی مورد گفت و گو قرار می‌گیرد (۱) عقب نشینی از جولان (۲) تدابیر امنیتی (۳) ماهیت صلح (۴) جدولهای زمانبندی شده برای اجرای قرارداد صلح با سوریه. این در حالی است که مقامهای آمریکایی و اسرائیلی مدعی‌اند هیچ پیش شرطی برای آغاز گفتگوها پذیرفته نشده ولی سوریه همواره خواهان تضمین کتبی یا شفاهی آمریکا برای خروج اسرائیل از جولان است، گفته می‌شود که مذاکرات از محل توقف آن آغاز خواهد شد. به نظر می‌رسد که علیرغم این اظهارات، دست کم وعده‌هایی از آمریکا برای کمک به

اسرائیل در این مورد مبهم است ولی بیشتر معتقدند که باید نسبت به آنها احساس مسئولیت کرد، چرا که سالها برای اسرائیل و علیه وطنشان جنگیده‌اند، و حال اسرائیل باید نشان دهد که همواره به متحدان استراتژیک خود وفادار است. اینان دو گروهند، گروهی که معتقدند اسرائیل باید تلاش کند که ارتش لحد داخل صفوف ارتش لبنان شوند، ولی گروههای لبنانی و دولت لبنان شدیداً با این امر مخالفند، زیرا آنها را خائنان به وطن به حساب می‌آورند و همچنین بسیاری از افراد آن در محاکم لبنان غیاباً محکوم شده‌اند.

گروه دوم معتقدند که اسرائیل آنها را جایی خارج یا در داخل اسرائیل اسکان بدهد. آنها معتقدند که سازمانهای یهودی نیز می‌توانند در اسکان آنها در خارج (مثلاً آمریکای لاتین) کمک کنند. پیشنهاد اسکان در داخل اسرائیل، با مخالفت بیشتری روبروست چرا که ترکیب جمعیتی اسرائیل را بهم می‌زند و حتی می‌تواند موجب درگیری با فلسطینیان نیز بشود. البته گزارشهایی نیز در مورد فرارهای دسته‌جمعی آنها به اروپا و یاد دیگر نقاط منتشر شده است، با این همه به نظر می‌رسد اسرائیل در این مورد تصمیم قطعی و روشنی نگرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی